

اولین گاهنامه نوآوری در آموزش

برای افغانستان

شماره اول - تابستان ۱۳۹۷



در این شماره می‌خوانید:

نظام آموزشی افغانستان و باید‌های آن
اهمیت مکتب تکمیلی
تحصیل زنان در افغانستان
روش یادگیری معکوس



اولین گاهنامه موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان

صاحب امتیاز: موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان
 سردبیر و مدیرمسئول: نوید آخوندزاده

نویسندگان این شماره:

داکتر فرهاد الله یار	خدیجه حسنی
داکتر صمدعلی مرادی	مرسل بیات
علی آخوندزاده	آمنه فاضل بیات
نوید آخوندزاده	
طراحی و صفحه آرایی:	علی آخوندزاده

وبسایت موسسه: www.ieaf.fi

ایمیل ادرس: ieaf@yahoo.com

فهرست مطالب

۱	نگاهی به سیستم آموزشی در افغانستان
۵	گزارش فعالیت های موسسه در کابل
۶	مکتب تکمیلی، راه ما برای مبارزه با بی سوادى
۱۰	گالری تصاویر
۱۲	اطفال نان آور
۱۳	تحصیل زنان در افغانستان
۱۵	تاثیر استفاده از تکنولوژی در آموزش
۱۷	روش یادگیری معکوس
۲۰	گزارش سمینار مبارزه با بی سوادى در افغانستان

مبارزه ای برای کرامت انسانی

همه ما در پی عدالت و صلح هستیم، به دنبال انسانیت و کرامت انسانی هستیم. آیا بدون سواد و آگاهی، عدالت و صلح ممکن می شود؟ آیا جامعه ای بدون سواد و آگاهی می تواند به کرامت انسانی دست یابد؟ آیا مردم بی سواد توان آگاه شدن را دارند؟

ایمان دارم اگر بخواهیم می توانیم از تکرار تاریخ جلوگیری کنیم، بیدار شویم، قامت خود را راست کنیم و به عنوان یک ملت، مبارزه با بی سوادى و نوآوری در آموزش را آغاز کنیم. رویای من این است متعلق به بخشی از تاریخ باشم که آگاهی مردم بر ماشین فاسد سیاست غلبه می کند و دور معیوب بی سوادى، پوپولیسم فرهنگی و جنگ پایان می یابد.

آرزو دارم تا نسل ما برای فرزندانمان آینده ای بسازد که لایق آن هستند. جهانی بسازد که با عشق به وطن زندگی کنند و از آرامش زندگی لذت ببرند.

باور دارم روزی فرزندانمان، ما را به نیکی یاد خواهند کرد. خواهند گفت که ما نسل تغییر بوده ایم. نسلی که ملتی را از زیر آوار جهل نجات می دهد تا مردم از تاریکخانه ذهن خود بیرون شوند و آیندگان توان روشن دیدن را بیابند. امید دارم که مبارزه با بی سوادى یک جنبش شود و سرآغاز یک تمدن گردد. جنبشی که انسان بسازد و جهانی بسازد که در آن زندگی انسانی ممکن شود. به راستی که بدون سواد و آگاهی، عدالت و برابری یک خیال خام است.

دوست دارم در جبهه ای مبارزه کنم که برای کرامت انسانی می جنگد. مبارزه با بی سوادى، مبارزه برای آزادی و کرامت انسانی است. همه ما فرصت بسیار محدودی برای ماندن در زمین داریم. اگر جسم من در شکوه و جلال این هدف قربانی شود، بهتر از این است که روحم از شرمندگی دنیایی که برای فرزندانم به ارث می گذارم تا ابد آزار ببیند.

داکتر صمدعلی مرادی، خزان ۱۳۹۷

مدیر مسئول موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان



نگاهی به سیستم آموزشی در افغانستان

نوید آخوندزاده

با آغاز به کار دولت موقت، تلاشهای معطوف به رفع این محرومیت به صورت جدی آغاز شد. شهروندان کشور به وضعیت پیش آمده به مثابه فرصت طلایی نگریستند و با اشتیاق و انگیزه وصفناپذیری فرزندان خود را به مدارس و دانشگاهها فرستادند. از همین جا بود که بخش بزرگی از رشد کمی آموزش و تحصیلات عالی رقم خورد.

یکی از تبعات تلخ سالها جنگ در افغانستان آوارگی و مهاجرت بوده است. با سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت موقت احتمال اینکه جنگ تمام شده و آینده امن برای افغانستان در حال شکل گیری است بسیاری از مهاجرین افغانستانی را برای بازگشت ترغیب کرد. برگشت این مهاجران یا انتقال درک دیداری از ضرورت آموزشی همراه بود. مهاجران هر یک چشم‌بندهای خود از دستاوردهای دانش مدرن در کشورهای بیرونی را تعریف میکردند. این دست‌داستانها به نوبه خویش زمینه درک ضرورت و فوریت فراگیری دانش مدرن را فراهم و به افزایش انگیزه آموزشی کمک کرد.

همچنین از گذشته‌های دور در افغانستان دسته‌ی خاصی از ملاهای افغانستان تحت نام دفاع از دین با آموزه‌ها و آموزش‌های مدرن مخالفت میکردند. افزایش تدریجی آگاهی سبب از اثر

سالها جنگ در افغانستان تأثیرات منفی خود را بر نظام آموزشی کشور هم داشته است بگونه‌ای که در طول سالهای حکومت طالبانی دسترسی به خدمات آموزشی بسیار محدود و حتی در مقاطعی غیر ممکن شده بود. اما در طول سالهای دوره‌ی پساطالبانی دولت به کمک جامعه جهانی تلاش‌های گسترده‌ای را جهت بازسازی نظام آموزشی کشور به راه انداخت و برای همین دسترسی زودهنگام به امکانات آموزشی اولیه در دستور کار وزارت‌های معارف، آموزش و پرورش و آموزش عالی قرار گرفت.

تلاش‌های دولت و همکاران بین‌المللی آن در دوره پساطالبانی در جهت سامانمند کردن نظام آموزشی کشور منتج به موفقیت‌های آموزشی بسا چشمگیر شد و از مهمترین عوامل این موفقیت‌های آموزشی بدست آمده عطش پس از محرومیت از خدمات آموزشی، بازگشت مهاجرین، از اثر افتادن تبلیغات منفی مدعیان هدایت و پیوستن زنان به قشر تحصیلی بوده است.

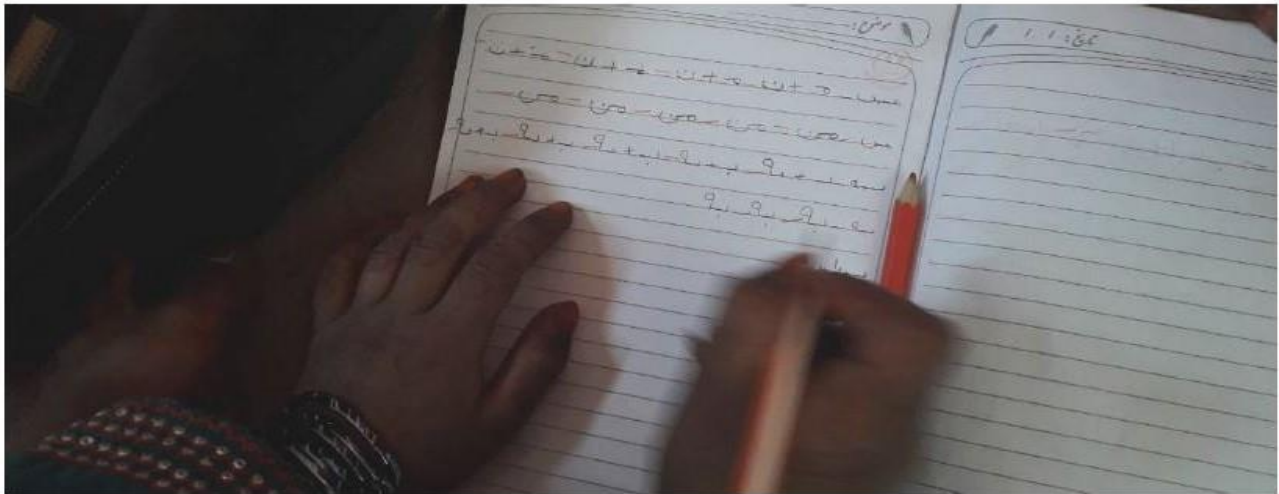
جنگ در افغانستان بنیادهای برخوردار از خدمات آموزشی را به شدت تضعیف و تخریب کرد؛ این تجربه تلخ محرومیت آموزشی و تحصیلی، آرزوی فرارسیدن فرصتی را در شهروندان این سرزمین پرورد که در آن امکان فراگیری دانش مدرن مهیا باشد.

افتادن و حداقل کم شدن کارکرد تبلیغات منفی علیه آموزش مدرن شده است. پس از شکست طالبان تبعیض جنسیتی منع دختران از تحصیل و عدم برخورداری آنها از خدمات آموزشی رفع گردید. با پیوستن دختران به قافله آموزشی گام بزرگی به سمت رشد کمی آموزش و تحصیلات عالی برداشته شد.

در طول یک و نیم دهه ی گذشته تغییر رویکرد به مکتب و مدرسه قابل مشاهده است و میتوان گفت که افغانستان به سمت کشور معارف پرور در حال حرکت است.

امروزه در کنار هزاران مکتب دولتی، هزاران مکتب خصوصی نیز در کشور فعالیت دارد. با همه ی این تلاشهای انجام شده و تغییرات بوجود آمده هنوز هم نظام آموزشی افغانستان یک نظام آموزشی ناکارآمد با کیفیت پایین تعلیمی است. از جمله دلایل کیفیت پایین تعلیمی میتوان به فقدان معلمان متخصص و کمبود امکانات و تجاری شدن آموزش و پرورش اشاره کرد.

در تحقیقی که توسط بانک جهانی در سی و یک مکتب کابل انجام شده عنوان شده است که شیوه های تدریسی و توانایی های



تخصصی معلمان این مکتب ها به هیچ وجه مورد ارزیابی حکومت و نهادهای مسئول قرار نگرفته است و برای همین معلمان اکثرا فاقد مهارتهای تدریسی موثر هستند.

از جمله شاخصهای در نظر گرفته شده در این تحقیق توسط بانک جهانی به قرار زیر است. از مکاتب مورد بررسی در این تحقیق ۱۵ مکتب در سه شیفت تدریسی و ۱۶ مکتب در دو شیفت تدریسی خدمات آموزشی برای شاگردان ارائه میکردند. مکاتب در افغانستان به دلیل تعداد زیاد دانش آموزان وقت کمتری را برای آموزش شاگردان در اختیار دارند. در مکتهای مورد ارزیابی بانک جهانی غیر حضری دانش آموزان پسر در مقایسه با دانش آموزان دختر ۶۰ درصد بیشتر بوده است. یکی از عوامل غیر حضری پسران در مکاتب کارکردن شاگردان برای تامین معاش خانوادهشان عنوان شده است. همچنین یافته های بانک جهانی نشان میدهد که مکتهای افغانستان حتی در کلانشهرها و پایتخت این کشور بدون امکانات ابتدائی از جمله نداشتن تشناب مواجهه است.

از دیگر مشکلات جدی آموزش و پرورش کشور بویژه آموزش عالی که پدیده ی سالهای اخیر است تجاری شدن آموزش و پرورش کشور است. در سالهای دوره ی پسا طالبانی صدها مکتب و موسسه آموزش عالی و نمیه عالی خصوصی در کشور فعال شده اند که در آنها محصلین با پرداختن پول به تحصیل مشغولند. علیرغم موفقیت این مراکز خصوصی در اکثر موارد اما همچنان آیین نگرانی وجود دارد که رویکرد تجاری و درآمدزایی در این حوزه بر کیفیت آموزشی تاثیر گذار باشد.

از دیگر دلایلی که هنوز هم توجه به کیفیت در دستور کار قرار ندارد ناامیدی و بیکاری فارغ التحصیلین، عدم درک ضرورت روزآمد کردن مواد و منابع درسی در دانشگاهها و فساد اداری است. یکی از عناصر ارتقاء دهنده کیفیت آموزشی و تحصیلی وجود انگیزه لازم برای فراگیری در محصلین است. اما شرایط فعلی افغانستان، بیکاری و ناامیدی جوانان، گراف انگیزه آموزشی و اشتیاق تحصیلی را بشدت پایین آورده است. تجدید نظر در متدهای آموزشی و روزآمد کردن مواد درسی از ملزومات ارتقای کیفیت آموزشی و تحصیلات عالی

است. اما در موسسات آموزشی کشور ضرورت ایجاد تغییری اینگونه درک نشده است. آزمون های نمایشی و استخدام های فرمایشی در روند استخدام معلمان مدارس و اساتید دانشگاهها سبب استخدام معلمان و اساتیدی شده است که فاقد صلاحیت علمی هستند.

همانطور که گفته شد با وجود تغییرات کمی بسیار در نظام آموزشی کشور در دوره پسا طالبان، تغییرات کیفی اندکی صورت گرفته و نظام آموزشی کشور همچنان دارای مشکلات بسیار است. از جمله مشکلات بنیادی نظام آموزشی کشوری توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نظام بسته آموزشی

نظام آموزشی کشور هنوز یک نظام بسته است؛ نظامی که معطوف به کتاب و معلم است. در نظام آموزشی مدرن به حرکت درآوردن شاگرد یک اصل است. در حقیقت در آموزش مدرن، آموزش برای شاگرد است و نه شاگرد برای آموزش. ضرورتهایی مانند آزادی پرسش، اندیشه، انتقاد و حق شک کردن و جرات خلاقیت و نوآوری می‌طلبند تا ساختار آموزش، از منابع و متون درسی گرفته تا شیوه‌های تدریس، از بند قالب‌گرایی و نتیجه محوری خارج شود. به عبارتی در آموزش مدرن قصد بر این نیست که شاگرد را در مفاهیم ازپیش‌تعیین شده و قالبی هضم کنند، بلکه اساسا مدیران آموزشی تنها وظیفه ارایه محتوای متنوع آموزشی را با توجه به گوناگونی استعدادها و الزام‌های جسمی، روحی و فکری یادگیرندگان به عهده دارند و به نتایج مشخصی نمی‌اندیشند، چرا که هدف، یادگیری است.

۲. آزادی در یادگیری

نظام آموزشی افغانستان نظام آزادی‌محور نیست. آموزش یکی از حقوق اساسی انسان‌ها است که از نوعی نیاز و انگیزه آغاز می‌شود. اجبار در نظام آموزشی سبب می‌شود که آموزش به امری محدود زمانی فروکاسته شود، در حالی که در آموزش مدرن، آموزش امری دائمی و بدون مرز است. در این نگرش تمام عرصه زیستی فرد اعم از عمومی و خصوصی، درس‌انگیز است و درس‌آموزی، موقعیت زمانی و مکانی نمی‌شناسد.

۳. آموزش مدرن، معطوف به تفاوت های فردی

نظام آموزشی سنتی، از آنجایی که در زمان، مکان و برنامه درسی معین و مشخصی شکل می‌گیرد و همه یادگیرندگان، بدون استثنا باید طبق نظم مکتب در صنف حضور یابند و در زمان معینی امتحان بدهند و طبق نظام ارزشیابی تعیین شده‌ای ارزیابی شوند، ماهیتا با اصل تفاوت‌های فردی در یادگیری در ستیز است. آموزش مدرن این چنین می‌گوید که یک‌سان دیدن دانش‌آموزان از آن حیث که در برابر یک نوع آموزش، یک نوع بازدهی را انتظار داشته باشیم، به منزله محدود کردن رشد استعدادهای درونی آنان است.



۴. دگرگونی در نحوه یادگیری

در نظام آموزشی سنتی که در حال حاضر در مکتب‌های افغانستان از آن استفاده صورت می‌گیرد، نقش معلم به‌عنوان تربیت‌کننده بسیار برجسته ساخته شده است. معلم در روش‌های جدید آموزشی نقش رهنما را دارد. در روش آموزش قدیمی، رابطه میان معلم و یادگیرنده، یک رابطه یک‌سویه و عمودی است. در شرایط قدیمی، یادگیرنده، در جایگاه پذیرنده‌ای منفعل قرار دارد، حال آن‌که در روش‌های مدرن آموزشی، آموزش، فرایندی است برای کشف نیروهای درونی و به فعلیت رسانیدن قابلیت‌های یادگیرنده و این قاعده جز با برقراری روابطی دوسویه میان شاگرد و معلم، قابل فهم نیست که خود نیازمند آشنا ساختن معلمان با روشهای



نوبت تدریس و بالا بردن تواناییهای تدریسی معلمان میباشد. در افغانستان سنت حفظ معلومات تاریخ طولانی دارد و کم کردن حجم کتابهای درسی و ادغام مضامین مرتبط با هم با تکیه بر این اصل صورت میگیرد در حالیکه در دنیای کنونی این روش و متد دیگر جوابگو نیست و مدیریت دانش باید نقش اصلی مکاتب و نهادهای آموزشی باشد.

۵. عقلانیت و آموزش

براستی چقدر در مکتب ها به شاگردان فرصت اندیشیدن داده میشود. آموزش مدرن شاگردان را به اندیشیدن انتقادی وادار می کند. به آنان این فرصت را می دهد که نسبت به قضایا و مسایل بدون کمک گرفتن از دیگران بیندیشند و نتیجه بگیرند. اندیشیدن انتقادی متکی به پرسشگری است. نظام آموزشی فعلی کشور پرسشگری را کم تر مجال می دهد.

۶. نظام آموزشی هدفمند و با کیفیت

هدفمند ساختن نظام آموزشی پیشنهاد دیگری است. همانگونه که در کشورهای اروپایی سیستم نظام آموزشی دوگانه وجود دارد به این صورت که یک شاخه آن بر معلومات عملی و تکنیکی تاکید دارد و شاخه دیگر بیشتر در زمینه تحقیقات فعالیت دارد. این نظام آموزشی دوگانه میتواند جهت هدفمند ساختن نظام آموزشی گزینه ی مناسبی برای افغانستان باشد. همراه با افزایش شمار دانش آموزان، معلمان و مکاتب اصلاح نصاب آموزشی و کتب درسی یک امر ضروری است. اما کار روی اصلاح نصاب آموزشی و دید وسیع برای بهبود کیفیت نظام آموزشی ندارد.

منابع:

آناهیتا مئین ۲۰۱۷

[HTTP://BLOGS.WORLDBANK.ORG/ENDPOVERTYINSOUTHASIA/PRS/NODE/1374](http://blogs.worldbank.org/endpovertyinsouthasia/prs/node/1374)

ظاهر مفکر ۲۰۱۷

[HTTP://WWW.BBC.COM/PERSIAN/BLOG-VIEWPOINTS-41150591](http://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-41150591)

یحیی بیضا ۱۳۹۶

[HTTP://WWW.BBC.COM/PERSIAN/BLOG-VIEWPOINTS-40555723](http://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-40555723)

رهن رها ۱۳۹۱

[HTTP://WWW.DAILYAFGHANISTAN.COM/OPINION_DETAIL.PHP?POST_ID=126644](http://www.dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=126644)

سعید حقیقی ۱۳۹۴

[HTTPS://8AM.AFX8AM/1394/02/06/DENTAL-EDUCATION-SYSTEM-IN-AFGHANISTAN](https://8AM.AFX8AM/1394/02/06/DENTAL-EDUCATION-SYSTEM-IN-AFGHANISTAN)

گزارش فعالیت های موسسه در کابل

خدیجه حسینی

موسسه نوآوری در آموزش (IEAF) در اول جدی زمستان ۱۳۹۶ در چهارقلعه چهاردهی در کابل در داخل یک مکتب خصوصی با کرایه چند صنف با هدف نوآوری در سیستم آموزشی و مبارزه با بی سوادی با تحت پوشش قرار دادن ۴۰ تن از اطفال کار، مستضعف، یتیم و نیازمند فعالیت های آموزشی خویش را مطابق به یک سیستم نو شروع نمود. تقسیم اوقات مستفیدین برنامه آموزشی این موسسه هفته وار ۲۰ ساعت شامل مضامین صنفی همانند ریاضی، دری، آداب و مهارت، زبان انگلیسی، بازی و سرگرمی برای مدت زمان دو ماه بوده است.



جهت ایجاد انگیزه، تشویق و کمک به رشد بدنی اطفال، تقسیم اوقات تغذیه توسط مسئولین و خیرین پلان و تطبیق گردید که روزانه برای ۴۰ طفل شیر، نان، پنیر و تخم مرغ به عنوان یک وعده غذایی توزیع می گردید. بعد از ختم دوره دو ماهه ۲۰ نفر از اطفال تحت پوشش که از نظر وضعیت زندگی در حالت خوبی قرار نداشتند انتخاب و تحت آموزش دوره بعدی قرار گرفته اند.

در ماه ثور ۱۳۹۷ اطفال مستضعف، اطفال کار و اطفال لایق مطابق به مکانیسم از پیش تعیین شده نهاد تفکیک شدند و عملا کار تدریس شاگردان شروع گردید و همین طور روزانه به تعداد شاگردان علاقه مند به آموزش اضافه گردید و در حال حاضر تعداد ۱۰۰ طفل در این مرکز در تایم های مختلف حاضر و از آموزشگاه بهره مند میگردند.

دروسی که در این آموزشگاه برای اطفال تدریس می گردد در پایه های درسی صنف اول تا سوم مضامین تقویتی دری، تقویتی ریاضی و برای صنوف چهارم و پنجم علاوه بر دروس تقویتی ریاضی و دری، مضمون تقویتی انگلیسی نیز تدریس می گردد و شاگردان در کنار دروس مکتب، رسامی و کاردستی نیز آموزش می بینند.

از بین این هشتاد طفل تحت پوشش نهاد به تعداد ۲۵ طفل از اطفال کار می باشند که از هر نوع آموزشی محروم بوده اند و در حال حاضر در این مکان آموزش های اولیه دروس را فرا می گیرند و برای این ۲۵ طفل امکانات تغذیه نیز فراهم شده است و هر روز صبح به آنان تغذیه نیز داده می شود.

آموزشگاه ثبت و راجستر وزارت معارف می باشد که در تاریخ ۲۲/۳/۱۳۹۷ جواز خود را دریافت نموده است.

تعداد پرسونلی که فعلا در آموزشگاه فعالیت دارند به تعداد ۲ استاد داوطلب، نگهبان و مدیر آموزشگاه می باشد که در کنار تدریس کارهای اداری و بیرونی آموزشگاه را نیز انجام می دهد.

از جمله خدمات آموزشگاه دادن قرطاسیه برای اطفال، تدریس معیاری مطابق به سیستم های نو آموزشی، پیدا کردن اسپانسر برای اطفال مستعد و مستضعف، تحت پوشش قرار دادن اطفال کار و دادن یک وعده غذایی به آنها، کمک به استادان علاقه مند در زمینه یادگیری سیستم های نو آموزشی، برقراری ارتباط موثر همراه نهاد های کمک کننده و علاقمند به کمک برای اطفال نیازمند می باشد.

از جمله مشکلات و چالش های پیش روی موسسه کمبود بودجه در قسمت تطبیق بهتر پلان ها و ایده های موسسه می باشد.



مکتب تکمیلی، راه ما برای مبارزه با بی سوادی

داکتر صمدعلی مرادی

مقدمه

به عنوان کسی که در جنگ و نابسامانی اجتماعی کلان شده اید یک سؤال همیشه همراه شماست؛ اینکه راه حل اساسی چیست؟

برای ما هر بحثی و هر استدلالی به یک جواب رسیده است و آن "آگاهی" است. بدون آگاهی، رهایی ناممکن است و آزادی محال است. مبارزه برای آزادی، عدالت و برابری بدون آگاهی، فقط تکرار تلخ تاریخ است. در واقع جهلی ریشه دار مراجع تعصب را در وطن ما بسیار قدرتمند ساخته است. مسلماً با انتظار و استراحت نمی توان بر عصبانیت، نفرت و خشونت پیروز شد. ما در موسسه می گوییم که: "ترس مانع برنامه ریزی برای آینده نشود." وقتی مهمترین ابزار کسب "آگاهی" سوادآموزی است، باور داریم که بالاترین فضیلت ملت ما، مبارزه با بی سوادی است.

البته برای سوادآموزی که منجر به آگاه شدن انسانها شود، روش های آموزشی بسیار مهم هستند. این روش های نو را باید در دنیای مدرن پیدا نمود، تدوین کرد و محیط یادگیری متناسب با این روش ها را برای اطفال محروم ایجاد کرد. چیزی که این موسسه برای انجام آن تلاش می کند.

نوآوری در آموزش

بیش از یک دهه است که در دنیا از "نوآوری در آموزش" به طور جدی گپ زده می شود. سال های زیادی است که متخصصان علم آموزش متوجه شده اند سیستم آموزشی فعلی که در قرن نوزدهم بنا گذاشته شد، دیگر برای اهداف بشر کارایی ندارد. در قرن نوزدهم این سیستم بیشتر پاسخی به نیازهای دنیای صنعتی بود که هدف اصلی آن تربیت کارگرهای ماهر برای کارخانه ها بود. متخصصان در هر کشوری شیوه های آموزشی نوین را با توجه به نیاز جامعه طراحی می کنند، لذا این شیوه ها در هر کشوری با کشور دیگر متفاوت است. چون یکی از جنبه های نوآوری در آموزش "شاگرد محوری" است و معلم های خلاق با توجه به نیاز شاگردان شیوه های جدید آموزشی را خلق می کنند، حتی از مکتبی تا مکتب دیگر هم در شیوه های آموزشی تفاوت دیده می شود. پس یکی از تظاهرات "نوآوری در آموزش" خارج شدن از استانداردهای سیستم سنتی و متنوع بودن آن است.

در افغانستان هم با توجه به نیازهای جامعه نیاز به طراحی روش های نو آموزشی می باشد. اما اولین قدم بیرون شدن از چوکات سیستم آموزش سنتی است تا بتوان با فکری باز خلاقانه اندیشه کرد و روش های جدید را در بوته آزمایش سنجید و تکمیل کرد. اینگونه شد که ایده "مکتب تکمیلی" به ذهن ما رسید. چرا که اگر شما یک مکتب به روش معمول در افغانستان ثبت کنید، مقید به پیاده کردن روش ها و معیارهای کهنه و ناکارآمد وزارت معارف خواهید شد، طوری که وقت، انرژی و سرمایه مالی برای "نوآوری در آموزش" باقی نخواهد ماند.

عدالت در آموزش

یکی از معیارهای پذیرفته شده در "نوآوری در آموزش" عدالت در آموزش است. متخصصان مکتب را آئینه جامعه می دانند طوریکه بسیاری از مشکلات اجتماعی منشا در سیستم آموزشی دارد. اختلاف طبقاتی و تفاوت های فرهنگی یکی از همین مشکلات است که سیستم آموزشی نامتعادل زمینه آن را ایجاد می کند. در کشوری مثل فنلند مکتب خصوصی وجود ندارد و تمام مکاتب از امکانات استاندارد و مشابه برخوردار هستند، لذا اطفال از خانواده های با سطح مالی متفاوت از امکانات آموزشی یکسان برخوردار می شوند. نتیجه جامعه ای متوازن بدون اختلاف طبقاتی قابل توجه است. در مقابل در کشوری که منابع ثروت به طور نامتوازن توسط مافیا تقسیم شده است، اگر شما مکتب خصوصی با امکانات بالا داشته باشید که شاگردان را از طبقات اجتماعی بالا جذب می کنند، در حقیقت اختلاف طبقاتی و سطح فرهنگی از دوران مکتب شروع شده و عمیق تر خواهد شد.

پس به سادگی قابل فهم است که در مبارزه با بی سوادی تاسیس مکاتب خصوصی که شاگردان نخبه یا سرمایه دار را جذب می کنند، به حل این مشکل اجتماعی کمک چندانی نخواهد کرد، بلکه بحران اختلاف طبقاتی را عمیق تر خواهد کرد. این یک دلیل دیگر است که به جای تاسیس مکتب خصوصی، موسسه ایده "مکتب تکمیلی" را مطرح نمود.



مکتب تکمیلی چیست؟

مکتب تکمیلی مکتب دومی است که شاگردان محروم مکاتب دولتی می توانند پس از رخصت شدن از مکتب دولتی در آن آموزش تکمیلی ببینند. پس از پایان مکتب آزمایشی در زمستان ۱۳۹۶، موسسه نوآوری در آموزش اولین مکتب تکمیلی را در چهار قلعه چهاردهی کابل در بهار ۱۳۹۷ تاسیس کرد. تعداد شاگردان هر هفته در حال افزایش است و فعلا حدود

۱۰۰ شاگرد مشغول تحصیل هستند. در این مکتب سه دسته اطفال جذب شده اند. ویژگی مشترک همه این شاگردان این است که از نظر اقتصادی از خانواده های محروم هستند. پس مکتب مجاز به جذب هیچ طفلی از مکاتب خصوصی نمی باشد. چون یکی از اهداف موسسه عدالت در آموزش است. دسته اول شاگردانی هستند که از نظر اقتصادی محروم بوده و نیاز به کمک تحصیلی برای پیشبرد دروس اصلی خود مثل ریاضی و زبان مادری دارند. دسته دوم اطفال کار هستند که معمولا اصلا مکتب نمی روند. علاوه بر آموزش به نیازهای دیگر این اطفال مثل بهداشت و سلامتی هم توجه ویژه می شود. دسته سوم اطفال با استعداد در درس ریاضی هستند که در مکاتب دولتی به دلیل محرومیت اقتصادی به امکانات آموزشی کافی دسترسی ندارد. برای آموزش این اطفال از کتاب های ریاضی مکاتب فنلند که به انگلیسی تهیه شده است استفاده می شود. دسته سوم از طریق امتحان ورودی جذب می شوند. روش های آموزشی مورد استفاده برای این دسته آموزش دیجیتال یا Digital learning و روش تدریس معکوس یا Flipped learning است. دلیل دسته بندی اطفال این است که نیازهای هر دسته بسیار با دسته دیگر از نظر آموزشی و سلامت روانی متفاوت است. البته مرز بندی بین این دسته ها قطعی نیست. مثلا چند تن از اطفال کار که استعداد ریاضی بالایی داشتند به صنف Flipped learning منتقل شدند.

در ذیل به چند موضوع مربوط به نوآوری در آموزش می پردازم که در مکتب در حال اجرا می باشد.

تعامل خانواده ها با مکتب

تعامل خانوادگی در رابطه با مکتب عبارت است از هر کاری که خانواده ها در رابطه با تحصیل اطفال خود برای موفقیت آنها خود انجام می دهند. موفقیت تحصیلی شاگرد یک مسئولیت مشترک بین خانواده و مکتب است. حتی تحقیقات نشان داده اند که در برخی مناطق نقش خانواده ها در موفقیت فرزندان از مکتب بیشتر است. هماهنگی بین مکتب و خانواده برای حمایت از طفل اهمیت زیادی دارد. تحقیقات نشان داده که این هماهنگی در پیشرفت درسی شاگردان نقش زیادی داشته است .

در مکتب برای والدین جلسه برگزار می شود و تعدادی از والدین به کلاس سوادآموزی مکتب جذب شده اند. چند عامل اساسی بر موفقیت آمیز بودن روند یادگیری طفل تاثیر می گذارند. مهمترین عامل خانواده است، طوریکه بدون اصلاح این عامل، بقیه تاثیر کافی نخواهند داشت. پس در "نوآوری در آموزش" توجه به نقش خانواده، ارتباط مکتب با خانواده ها و آموزش خانواده ها بسیار اهمیت دارد.

روش یادگیری مبتنی بر پرسش

مهمترین نکته برای معلمان مکتب موسسه این است که یادگیری موفق با سؤال شروع می شود. به این معنی که به جای دادن اطلاعات خام به

مشخصات صحتی اطفال در فورمه های معیاری ثبت می شود. برای مطالعه گایدلاین صحت اطفال می توانید به سایت موسسه مراجعه کنید.



علم یادگیری

اطفال در محیط مساعد همیشه در حال یادگیری هستند. یادگیری یک عملکرد ذاتی بشر است. چراکه انسان به طور طبیعی سعی می کند تا محیط اطراف خود را درک کند و این کنجکاوی منجر به یادگیری می شود. اشکال یادگیری مختلف هستند و در شرایط مختلف قابل اجرا هستند. به عنوان مثال، یک نوع یادگیری به نام یادگیری ضمنی **implicit learning** است. در این نوع یادگیری بدون اینکه لزوماً فرد یاد گیرنده آگاهی داشته باشد، یادگیری او توسعه می یابد، مانند یادگیری زبان و یادگیری هنجارهای اجتماعی. با این وجود، بسیاری از آنچه در مدرسه یاد می گیریم، یادگیری رسمی یا صریح **explicit learning** است. به منظور یادگیری صریح، ما باید آگاهانه در فرایند یادگیری مشارکت داشته باشیم و برای یادآوری در آینده از موضوع خاطراتی در حافظه ایجاد کنیم. یادگیری رسمی و صریح همیشه آسان نیست. چراکه بچه ها به طور طبیعی به یادگیری ضمنی در شکل غیر رسمی تمایل دارند که مثلاً در محیط بازی اتفاق می افتد. در طراحی روش های جدید آموزشی به این نکته توجه می شود. طوری که با شبیه کردن محیط رسمی مکتب به محیط یادگیری طبیعی و استفاده از روش های همراه با بازی و گردش، در اطفال ایجاد انگیزه می شود. طفلی که انگیزه نداشته باشد و یادگیری برایش جالب نباشد، به موضوع توجه نمی کند و یادگیری اتفاق نمی افتد.

لذا برای آموزش موثر باید به علم یادگیری آشنایی عمیق داشت. مثلاً مهم است که معلم طرز کار حافظه را بداند، والا نمی داند که ظرفیت حافظه

شاگردان بهتر است تا در ذهن آنها ایجاد سوال کرد تا به دنبال یادگیری مطلب بروند. نکته مهم این است که در شروع درس، شاگردان را در مورد آنچه که امروز می خواهند یاد بگیرند، هیجان زده و کنجکاو کنید. باید موضوع درس به یک واقعیت ملموس در زندگی روزمره ربط پیدا کند که شاگردان هر روزه آن را تجربه می کنند. به این صورت موضوع درس از حالت تئوری خشک بیرون شود. بر همین اساس در مکتب از روش های یادگیری مبتنی بر پرسش استفاده می شود.



موسسه به معلمان خود می گوید که بگذارید شاگردان کنجکاو باشند، سوالات جدید مربوط به موضوع مطرح کنند، ایده های جدیدی مطرح کنند و در گروه های مختلف بحث کنند، تا تدریس شما با تفکر شاگردان پیش برود. حس کنجکاوی شاگرد را تحریک کنید، چرا که کنجکاوی باعث توجه و تفکر شاگرد درباره موضوع درس می شود.

این روش در قالب روشی به نام **E 5** برای معلمان مدون شده است. **E 5** بیانگر پنج مرحله آموزش به این شیوه است یعنی:

- ۱- Engagement
- ۲- Exploration
- ۳- Explanation
- ۴- Elaboration
- ۵- Evaluation

از روش های مربوطه روش آموزش معکوس یا **Flipped learning** است که گروه سوم اطفال از این شیوه آموزشی بهرمنند می شوند. اگر به این موضوع علاقمند هستید می توانید از اینترنت اطلاعات مربوطه را جستجو کنید.

کنترل صحتی

مربضی و سوئی تغذیه باعث کاهش قابل توجه توان یادگیری می شود. لذا در مکتب موسسه تمام اطفال کار از تغذیه نسبتاً متنوع یک بار در روز برخوردار می شوند. برنامه غذایی اطفال توسط گروه صحت موسسه کنترل می شود. برای تمام اطفال بورس دندان و خمیر دندان توزیع شده است. گایدلاین صحت اطفال در موسسه تهیه شده و کنترل صحتی تمام اطفال



یعنی مبلمان مکتب مهمترین نکته این است که ارگونومیک Ergonomic باشد. برای مکتب موسسه میز و چوکی هایی ساخته شده که برای شیوه های کار گروهی قابل استفاده باشند. برای مکتب شیوه های چیدمان های مختلف پیشنهاد شده است. مثلا با برداشتن میز و چوکی یا تغییر چیدمان، شما می توانید صنف درسی خود را به یک استودیوی آموزشی تبدیل کنید. در یک استودیوی آموزشی شما می توانید روش های مختلف آموزشی را به اجرا بگذارید، یعنی محیط فیزیکی انعطاف پذیر تر می شود. با تامین بودجه مبلمان نرم و راحت برای اطفال خریداری خواهد شد. خریداری مبلمان نرم و راحت، طوریکه اطفال به طور دایره ای بتوانند روی آن بنشینند و فعالیت مشترک انجام دهند یا به قصه معلم گوش دهند، به ارتقا محیط کمک می کند و باعث می شود تا مکتب شما فقط یک جای سرد و ناراحت کننده از نظر فیزیکی نباشد.

نور و رنگ در طراحی فیزیکی محیط یادگیری بسیار مهم هستند. در این مورد توصیه های لازم صورت گرفته است. رنگ نقش مهمی در بشاش کردن و زنده کردن محیط مکتب دارد. خصوصا از رنگ باید برای تقویت نورپردازی استفاده شود. نکته دیگر در طراحی این است که اطفال تشویق به تحرک شوند و در موقعیت های فیزیکی مختلف امکان فعالیت یادگیری وجود داشته باشد.

مدل سازی

هدف موسسه از تاسیس مکتب تکمیلی، ایجاد یک مدل بر اساس ایده "نوآوری در آموزش" برای مبارزه با بی سوادی در افغانستان می باشد. این مدل آموزشی مکانی برای آموزش معلمان خواهد شد تا با روش های آموزشی در عمل آشنا شوند و کسب تجربه کنند. همچنین برای آموزش معلمان به طور گسترده به روش های دیجیتال، این مدل کمک بسیار زیادی برای تفهیم موضوعات نوآوری در آموزش خواهد کرد.

موقت چقدر است و حافظه کاری چیست؟! نخواهد دانست که نقش تفکر در یادگیری چیست و چگونه برای یادگیری موضوع باید شاگردان درباره موضوع به فکر بیانند. این نکته مهم است، چراکه فرایند یادگیری با فکر کردن همراه است و بدون تفکر فرایند یادگیری کامل نمی شود. پس یکی از تلاش های موسسه تدوین کردن مواد آموزشی برای معلمان بر اساس نیازهای ذکر شده می باشد. آموزش معلمان در حقیقت هدف اصلی موسسه برای تحقق مبارزه با بی سوادی است که در سال های آینده موسسه به دنبال گسترش آن خواهد بود.

جامعه های کوچک یادگیری

در روش های جدید آموزشی متخصصین متوجه شده اند که مدارس کوچکتر با اجتماعات خورد تر نتایج بهتری را نشان داده اند. حتی برخی متخصصین جامعه های کوچک یادگیری ۱۰۰ تا ۷۵ نفری را پیشنهاد می کنند. نکته دیگری که متخصصین متوجه شده اند تاثیر مثبت فعالیت های خارج از ساختمان مکتب در یادگیری است، لذا امروزه برنامه های آموزشی و سفرهای گردشی یا علمی در مدرسه ها رواج یافته است. نکته سوم همکاری معلم ها و کار تیمی برای ایجاد محیط یادگیری است. در جایی که معلمین کار تیمی منظمی داشته اند محیط یادگیری موفقتر ایجاد شده است. تصور اشتباهی که وجود دارد این است که یادگیری محدود به مکتب است. در صورتیکه یادگیری در هر جایی ممکن است، وقتی محیط یادگیری ایجاد شود. لذا یکی از برنامه های مکتب تکمیلی اجرای این ایده ها است که با کمتر شدن مشکل امنیتی قابل اجرا خواهند بود.

بهبتر کردن طراحی مکتب

یکی از جنبه های مهم مورد توجه "نوآوری در آموزش" طراحی مکتب است. طراحی مکتب در ایجاد محیط یادگیری مناسب بسیار موثر است. اما حقیقت این است که مکتب ها به شیوه سنتی طراحی شده اند و پول کافی برای ساختن مکتب های جدید با طراحی مدرن وجود ندارد. لذا موسسه چند روش را برای بهبود طراحی مکتب روی دست دارد. در مورد میز و چوکی

گالری تصاویر



(1)

(1)

(1)



داکتر فرهاد الله یار

اطفال نان آور

در ماده سی و دو پیمان سازمان ملل متحد در باره حقوق اطفال ذکر شده است که کار نباید باعث ممانعت رشد طفل در قسمت تعلیم و تربیه طفل شود. کار نباید به صحت بدنی و روانی طفل ضرر برساند. (۱)

البته این یک حقیقت تلخ است که اطفال در جهان سوم بخاطر اعاشه اعضای فامیل ایشان به کار های سخت که به صحت فیزیکی و روانی طفل مضر است مشغول هستند. کار برای طفل عیب نیست ولی باید به حدی باشد که طفل توانش را داشته باشد و مانع پیشرفت طفل نباشد. برعکس کار تجربه زندگی برای اطفال است چنین که اطفال (سن بالاتر از ۱۲) در کشور های پیشرفته اروپا به کار مشغول اند. (۲)

طفل که اعاشه اعضای فامیل اش را به عهده دارد خودش قبلاً انگیزته است و در مسیر زندگی اش با پشتیبانه ای خیلی کم، خیلی پیشرفت میکند. چرا که این طفل قبل از وقت از خود یک لیاقت و شایستگی نشان داده است و میتواند زندگی خود را هم پیش ببرد و چند تای دیگر را هم تغذیه کند.

تامین شرایط تعلیم و تربیت، تغذیه مفید و پشتیبانی معنوی چیز است که این اطفال به او نیاز دارند. همدردی و دلسوزی که جز احساسات هر انسان، انسان است قابل قدر است ولی یادآوری این چنین احساسات در مقابل این اطفال نه تنها که دل آنها را میرنجاند بلکه باعث میشود که این اطفال خود را در جامعه کمتر از دیگران احساس می کنند. فلهمذا بهتر است که توجه زیاد به آن نکات شود که باعث بهتر شدن شرایط زندگی برای این اطفال میگردد و نه برعکس.

برعلاوه نکات بالا در قسمت صحت بدنی و روانی این اطفال باید توجه خاص کرد. یعنی اینکه در آینده نزدیک موسسه توان این را داشته باشد که هم پروگرام صحت را بالای این اطفال تطبیق کند و هم روان این اطفال را بررسی کند.

اکثر این اطفال شاید نتوانند به تحصیلات عالی دسترس پیدا کنند فلهمذا لازم است یک کسب را به شکل ورزیده اش یاد بگیرند. موسسه در این قسمت میتواند در آینده ورک شاپ های کسب آموزی بطور مثال نجاری، قالین بافی، خیاطی و پخت و پز را فراهم سازد. توانایی ایجاد این نوع ورک شاپ ها را فعلاً موسسه ندارد ولی اشکال مختلف این برنامه موجود است مثلاً داشتن قرارداد ها با مراکز مسلکی قابل اعتماد، جایی که این اطفال به شکل شاگرد برای مدت چند ساعت روزانه برای یک مدت خاص بروند و در این جریان مدت موسسه روزمزد این اطفال را بدوش گیرد.

منابع:

https://www.unicef.org/crc/index_30177.html

https://www.ilo.org/ipecc/news/WCMS_575661/lang--en/index.htm



تحصیل زنان در افغانستان (آمنه فاضل بیات)

توسعه جامعه زمانی می‌تواند در یک کشور موفقیت آمیز باشد که با مشارکت همه گروه‌های اجتماعی از جمله زنان اجرا شود. در میان گروه‌های اجتماعی زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به دلیل ارتباط مستقیم آنان با گروه‌های سنی جوانان، نوجوانان، کودکان و نیز تأثیر نیم دیگر جمعیت یعنی مردان از مهم‌ترین و مؤثرترین گروه‌های اجتماعی به شمار می‌آیند و این واقعیتی است که در جوامع در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. (فارس ۱۳۹۴)

تحصیلات زنان کشورهای در حال توسعه

به دنبال باسواد شدن زنان بسیاری از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند در برابر زنان قرار گیرد. هدف جامعه جهانی این است که با گسترش سواد بین زنان در قرن بیست و یکم از این جمعیت در عرصه‌های مختلف هر چه بیشتر استفاده گردد. ولی متأسفانه در موارد زیادی تحت تأثیر شرایط فرهنگی و نداشتن تأمین اجتماعی و سایر جایگزین‌ها بسیاری از دختران مجبورند در نیمه‌های راه از تحصیل جدا گردند. بر اساس آمارهای موجود هنوز هم ۲/۳ زنان در بسیاری از جوامع رو به رشد بیسواد اعلام گردیده‌اند. این جمعیت حتی به عنوان موانعی سر راه توسعه شناخته شده‌اند. در بسیاری از جوامع که با سواد زنان در صد بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد، به همان نسبت توسعه اجتماعی وسعت بیشتری یافته است. آمار بیانگر این واقعیت است که زنان بزرگسال در نقاط روستایی بسیاری از کشورهای رو به توسعه بیسواد هستند و نشانه‌های فراوانی از فقر بین آنها به چشم می‌خورد. گرچه این زنان نقش عمده‌ای در تولید مواد غذایی و برطرف کردن نیازهای خانوادگی خود دارند، ولی در عین حال با بسیاری از محرومیت‌ها رو به رو هستند. مهم‌ترین محرومیت آنها بیسوادی اعلام گردیده است. ولی مشکلات استر اتزیک، موانع فرهنگی، ضعف ارتباطات، نبودن راه‌های مواصلاتی

به عنوان مهمترین عواملی شناخته شده اند که در بیسواد نگه داشتن زنان و (مردان) در جوامع رو به توسعه نقش دارند. سوادآموزی اقشار مختلف جامعه به روند توسعه قوت و قوام قابل توجهی می بخشد. این جریان باعث افزایش درآمد، ارتقای بهداشت و سلامت و بالا بردن بهره‌وری در جامعه می گردد. با توجه به نقش اساسی زنان در خانواده نظر کلی بر این است که در شرایطی که زنان دریافت کننده سواد باشند، منافع و پیامدهای آن حتی بیشتر نیز می باشد. یک مادر با سواد، خانواده سالمتری را می تواند هدایت کند. اونه تنها نسبت به تغذیه فرزندان علم و آگاهی پیدا می کند، بلکه در ارتباط با بسیاری از وقایع و اتفاقات مربوط به بهداشت و سلامت نیز آگاه می شود. همچنین، شاخص با سوادی زنان، موجبات کاهش مرگ و میر اطفال و مادران را فراهم می آورد. (وزارت امور زنان افغانستان)

دختران افغانستان از فرصت مساوی آموزش محرومند

بر اساس گزارش یونسکو که وضعیت تعلیم و تربیت را در سراسر جهان در سال ۲۰۱۰ بررسی میکند در نظام آموزشی افغانستان دختران و پسران دسترسی یکسان به امکانات تعلیم و تربیت ندارند. همچنین براساس این گزارش در سال ۱۹۹۰ در شانزده کشور جهان در عرصه تعلیم و تربیت تبعیض جنسی وجود داشته که شمار آن ها در سال ۲۰۱۰ به یازده کشور تقلیل یافته است. در پاسخ به این گزارش فاروق وردک وزیر معارف افغانستان عنوان کرده است که ۴۰ درصد از معلمان و ۳۳ درصد از معلمات از طبقه اثاث می باشند. (دوپیچه وله دری)

حضور زنان افغانستانی در تحصیلات عالی و عرصه کاری و حرفه ای کشور

تحصیلات عالی در افغانستان به عنوان یکی از موفق ترین سکتورهای در حال توسعه، بعد از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت جدید به شمار می رود. در حال حاضر ۱۷ دانشگاه دولتی و بیش از ۷۰ دانشگاه و انستیتوت خصوصی در سراسر افغانستان موجود بوده که اکثر آن ها در کلان شهرهایی مانند کابل، هرات، مزارشریف، ننگرهار و خوست در حال فعالیت اند. بر اساس گزارش وزارت تحصیلات عالی در سال ۲۰۱۲ سهم زنان از بین صد هزار محصل مشغول به تحصیل ۳۰ تا ۳۵ درصد بوده است. اگرچه حضور زنان در عرصه تحصیلات عالی کشور در یک دهه گذشته پیشرفت قابل ملاحظه ای در بر داشته ولی هنوز حضور نامتوازن آن ها در عرصه کاری و حرفه ای کشور بیانگر نتایج نه چندان مثبتی در روند توانمند سازی زنان به شمار می آید. هرچند آمار دقیقی از شرایط کاری و مسلکی زنان دارای مدارک تحصیلات عالی در کشور موجود نمی باشد ولی عده زیادی از این خانم های تحصیل کرده خاندان، بدون وظیفه مسلکی و یا برخلاف رشته مسلکی مانند تدریس به شکل نیمه وقت در مکاتب ابتدایی ایفای وظیفه می کنند. نبود امنیت کافی برای توسعه برنامه های اقتصادی و انکشافی کشور، کمبود فرصت های کاری خصوصا در بخش زنان، نبود اتحادیه های منظم کاری زنان، ناامنی های سیاسی و اجتماعی، وجود نابرابری های جنسیتی در محیط های کاری، باورهای غلط جامعه با کارکردن زنان در بیرون از خانه و عدم اعتماد خانواده ها از محیط های کاری می توانند از دلایل عمده حضور کم رنگ زنان تحصیل کرده در صحنه اقتصاد کشور به شمار روند.

تحصیلات عالی در دانشگاه های دولتی افغانستان به شکل رایگان بوده و این امر هزینه هنگفتی را بر دوش دولت و نهادهای بین المللی حامی آن گذاشته است. حال سوال این جاست که با وجود متحمل شدن چنین هزینه های مالی و زمانی بالا و با در نظر داشت وضعیت فعلی زنان در کشور و نقش کم رنگ آن ها در بازسازی کشور چطور می توان از این نیروی کاری به نحو احسن استفاده کرد؟ مهم تر از آن عدم توجه کافی در راستای اشتغال زایی زنان تحصیل کرده افغان از سوی دولت در آینده می تواند که زمینه آغاز رشد بی میلی زنان و خانواده های آنان در راستای ادامه تحصیلات عالی باشد.

منابع:

خبرگزاری فارس ۱۳۹۴ <http://af.farsnews.com/social/news/13940209000993>

دوپیچه وله دری ۲۰۱۲ <https://p.dw.com/p/16w5Y>

روزنامه هشت صبح <https://8am.af/x8am/1392/11/13/presence-woman-in-higher-education>

وزارت امور زنان افغانستان <http://mowa.gov.af/fa>

تاثیر استفاده از تکنولوژی در آموزش

نوید آخوندزاده



هر روزه شاهد گرایش روزافزون به استفاده از فناوری ها در آموزش هستیم. در سال های اخیر تاثیرات تکنولوژی در روند آموزش و تعلیم و تربیت بسیار مورد توجه دولت ها قرار گرفته است. بر اساس یافته های روانشناسی، استفاده از تکنولوژی در آموزش به سبب فعال کردن حواس مختلف دانش آموزان، امر آموزش را واقعی تر، عملی تر و دلپذیرتر می سازند و فرآیند کلی یادگیری را بهبود می بخشد. به عبارت دیگر تکنولوژی از حیث اینکه تئوری و عمل را با هم ترکیب کرده باعث ماندگاری یادگیری و تنوع بخشی در کلاس درس می شود.

یادگیری، ایجاد ارتباط بین آنچه فرد می داند و آنچه یاد می گیرد در فرآیند یادگیری بسیار مهم هستند. تکنولوژی با ارائه وسایل و علائم باعث درگیر شدن ذهن یادگیرنده در فرایند یادگیری شده و بدین ترتیب کیفیت یادگیری را بالا میبرد. از دیگر فواید تکنولوژی این است که تمام حواس پنج گانه انسان را برای آموزش درگیر میکند. میزان یادگیری انسان توسط حسهای بینایی ۷۵٪، برای شنوایی ۱۲٪، لامسه ۶٪، و بویایی و چشایی هر یک ۳٪ ذکر شده است. به دلیل نقش مهم حس بینایی در یادگیری، تکنولوژی باعث میشود که بجای تکیه بر گویش و حس شنوایی مخاطبان، از پیام های تصویری و رسانه های دیداری و شنیداری بیشتر استفاده شود. و همچنین بیشترین یادگیری در شرایطی است که یادگیرنده از حس های خود هر چه بیشتر استفاده کند که این امر با کمک تکنولوژی بسیار راحت تر انجام میشود. تکنولوژی همچنین باعث فعال ساختن شاگردان در جریان یادگیری میشود. آموزش ها هنگامی به عمل تبدیل می شوند و از حیطه شناختی (مرحله دانش) خارج شده و به مراحل بالاتر وارد میشود که یادگیرنده در رسیدن به آنها نقش داشته باشند. در غیر این صورت، به خاطر سپردن طوطی وار چند اصل و قاعده عملی، به عمل فرد بر مبنای آنها کمک نمی کند. ارزش هایی که خود فرد به آنها رسیده باشد درونی می شوند و قابلیت به عمل درآمدن نیز پیدا میکنند.

فناوری اطلاعات نه تنها یادگیری را تسهیل میکند بلکه نقش بسیار مهمی در سیستم آموزشی نیز دارد. کاربرد فن آوری اطلاعات میتواند تاثیرات مثبت زیر را در سیستم آموزشی داشته باشد:

۱. کاهش محدودیت های یادگیری و امکان تسهیل دست یابی همگان به

اگر چه انتخاب متن و محتوای آموزشی بسیار مهم است، انتقال بهتر و موثر مفاهیم نیز از مسایلی است که باید مورد توجه قرار گیرد. تحقیقات نشان می دهد که وسایل آموزشی مناسب در انتقال و تفهیم و تأثیر مفاهیم نقش موثری دارند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. اساس قابل لمس برای تفکر و ساختن مفاهیم فراهم می کنند و در نتیجه سبب می شوند شاگردان کمتر به مفاهیم انتزاعی متوسل شوند.

۲. سبب ایجاد علاقه در امر یادگیری شاگردان می شوند و توجه آنها را به موضوع آموزشی معطوف می سازند.

۳. پایه های لازم را برای یادگیری تدریجی و تکمیلی فراهم می سازند و آن را دائمی می کنند.

۴. تجارب واقعی و حقیقی را در اختیار شاگردان قرار می دهند و در نتیجه موجب فعالیت بیشتر می شوند.

۵. پیوستگی افکار را در فرایند یادگیری فراهم می کنند.

۶. در توسعه و رشد معنا، در ذهن شاگردان موثرند و به گسترش دامنه لغات کمک می کنند.

۷. معنا و مفهوم آموزش را سریعتر و صریح تر منتقل می کنند.

یادگیری فرایندی فعال است. درگیر شدن یادگیرنده در فعالیتهای

۴. امکان از میان برداشته شدن قسمتی از محدودیت های ناشی از معلولیت های جسمی و ذهنی در فرآیند یادگیری.

۵. امکان کاهش هزینه ی دست یابی به اطلاعات نادر و پر هزینه ی مورد نیاز در آموزش های تخصصی و در پژوهش ها.

۶. ارتقای کیفیت یادگیری با واقع نمایی بیشتر مطالب درسی از طریق ارائه نمودار، عکس، صوت، تصاویر متحرک و شبیه سازی

۷. بیشتر شدن سهم دانش آموز در فرآیند یادگیری و مشارکت هر چه بیشتر او در این زمینه که به یادگیری در سطوح بالاتر می انجامد.

به فرصت های یادگیری با کیفیت خوب و به بهای مناسب

۲. امکان از میان برداشته شدن محدودیت های ناشی از زمان یادگیری (در طول شبانه روز و در همه اوقات سال)، طول یادگیری (طول دوره ی تحصیلی)، مکان یادگیری (یادگیری موثر و سازمان یافته در هر جا می تواند صورت پذیرد) و فاصله میان فراگیر و منابع یادگیری از جمله معلم.

۳. امکان از میان برداشته شدن محدودیت های ناشی از جنس، نژاد، قومیت، موقعیت اقتصادی-اجتماعی فراگیر، که هر یک از آن ها می تواند در فرآیند یاددهی - یادگیری اختلال ایجاد کند.



یادگیری معکوس

علی آخوندزاده

یادگیری معکوس یک روش آموزشی است که در آن دو عنصر درس دادن در کلاس و تکالیف خانه جابه جا شده اند. محصلین در خانه و پیش از آغاز کلاس، درس ها را در قالب ویدیوهای کوتاه و یا جزوه های آموزشی مرور می کنند و وقت صنف به حل تمرین، انجام پروژه، و یا بحث و گفتگو اختصاص پیدا می کند. مزیت یادگیری معکوس در این است که کلاس به یک کارگاه آموزشی تبدیل می شود که محصلین در آن می توانند درباره محتویات درسی پرس و جو نمایند، مهارتهای خود را بواسطه به کارگیری دروس آموخته شده بیازمایند و توسط تمارین و فعالیت های عملی با یکدیگر تعامل داشته باشند. چهار مرحله اساسی یادگیری معکوس در ذیل شرح داده شده است.

مرحله ۱: آمادگی و طرح سوال

در این مرحله از شاگردان خواسته می شود تا در خانه و یا مکاتب دولتی درس مربوطه را مرور کنند. در صورت امکان سوالات و نظراتی که به ذهن شان می رسند را یادداشت بگیرند.

این مرحله بر عهده خود شاگرد است اما اساتید محترم می توانند در ابتدای جلسه، از چند شاگرد به صورت تصادفی بپرسند که چه سوال و یا سوالاتی در رابطه با موضوع به ذهنشان آمده است.

نکته: خوب است که به شاگردان از همین ابتدای راه، نحوه سوال پرسیدن را آموزش بدهیم. چراکه پرسیدن سوال درست عملاً میزان درک شاگرد را از موضوع می رساند. در همین راستا، اگر اساتید با ایجاد فضایی دوستانه شاگردان را به پرسیدن سوال تشویق و ترغیب نمایند، فایده ناگفته، تسهیل خواهد شد.



مرحله ۲: تمرین مطالب



شاگردان که از پیش با موضوع آشنایی گرفته اند در این مرحله با طرح سوال و بحث گروهی عمق فهم شان را از موضوع افزایش می دهند.

اساتید محترم می توانند با ایجاد بحث های گروهی موضوع درسی را از زوایای مختلف برای شاگردان بشکافند. نقش اساتید در این بخش نظرات بر کیفیت بحث های گروهی است. برای این کار اساتید می توانند در صنف درس به گروه های مختلف بروند و از شاگردان در مورد بحث سوال بپرسند و در صورت نیاز بحث آنها را در راستای موضوع درسی هدایت کنند. بعد از اتمام بحث های گروهی، یکی از شاگردان به نمایندگی از هر گروه، نتایج حاصل از بحث گروهی شان را با سایر گروه ها شریک می کنند. در صورت نیاز از شاگردان خواسته شود تا گفته هایشان را بیشتر تشریح کنند. در این بخش، اساتید می توانند نظرات مهم شاگردان را جمع آوری کنند (روی بُرد بنویسند). در صورت نیاز، اساتید می توانند که نتایج جمع آوری شده را توضیح و تشریح کنند.

در آخر، اساتید می توانند با ارایه تمرینات حول موضوع درسی، یادگیری دانش آموزان را ارزیابی کنند. توجه شود که هدف از این تمرینات درک بهتر موضوع است و نبایستی جنبه رقابتی و نمره دهی برایشان در نظر گرفته شود. حتی در صورت نیاز اساتید می توانند از تمرینات گروهی هم استفاده نمایند. با توجه به نتایج تمرینات، اساتید می توانند بخش هایی را که اکثر شاگردان عملکرد ضعیف تری داشته اند را مرور نمایند.

مرحله ۳: تثبیت مطالب

در این مرحله دانش آموخته شده در مرحله قبلی تثبیت می شود. برای این کار، از شاگردان خواسته می شود تا اطلاعات دریافت شده را به صورت عملی استفاده کنند. جهت انجام این مرحله، اساتید با تنظیم تمرینات و یا پروژه های مفهومی تر به عنوان کارخانگی، میزان یادگیری شاگردان را ارزیابی می نمایند.

توجه شود که تمرینات تا جای ممکن کاربردی باشد و از تمرینات صرفاً تئوری حتی المقدور پرهیز شود. در این بخش اساتید می توانند از پروژه های گروهی هم استفاده نمایند؛ تا مهارت کارگروهی بدون حضور ناظر و معلم در بین شاگردان تقویت شود. همچنین در پروژه های گروهی، شاگردان مستعد تر می توانند سایر شاگردان را کمک کنند.



مرحله ۴: ارزیابی



در مرحله ارزیابی، دانش شاگردان با توجه به نتایج کاگروهی شان (پروژه هایشان) ارزیابی می شود. در این مرحله، اساتید می توانند از متدهایی مثل ارایه نتایج گروه در قالب پرزنتیشن، ارایه گزارش کتبی توسط شاگردان و یا متدهای مناسب دیگری استفاده نمایند.

ارزیابی پروژه های گروهی می بایست از ابعاد مختلف صورت بگیرد. برای مثال متدهای خلاقانه ای که توسط گروهی استفاده شده است، صرف نظر از پاسخ نهایی شان، در نظر گرفته شود.



ماهی ها، ساخته دست شاگردان موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان



گزارش سمینار مبارزه با بی سوادی در افغانستان – خزان ۲۰۱۸

سمینار مبارزه با بیسوادی در افغانستان روز شنبه بیستم و نهم ماه سپتمبر در سالن اجتماعات کتابخانه مولوپورو در شهر هلسینکی - فنلند توسط موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان برگزار گردید. هدف از برگزاری این سمینار مطرح کردن ایده ی "موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان" و همچنین فراهم کردن فرصتی برای بحث و گفتگو در مورد وضعیت آموزش در افغانستان بوده است. در این سمینار برنامه های متنوعی از جمله سخنرانی داکتر صمد علی مرادی مسئول موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان، میز مدور با عنوان عدالت در آموزش گنجانده شده بود.

در ابتدای سمینار داکتر صمد علی مرادی در سخنان خود تاریخچه ی تاسیس موسسه را بیان کردند و همچنین در مورد مکتب تکمیلی که راهکار فعلی موسسه برای مبارزه با بیسوادی است مطالبی را گفتند. در این سمینار خانم ها فرشته اکبری و زهرا عالمی دو تن از محصلین مقیم فنلند هم مقاله های خود را در مورد "تحصیل زنان در افغانستان" به خوانش گرفتند. در قسمت پایانی سمینار میز مدور با عنوان عدالت در آموزش با حضور استاد حامد شفایی، داکتر صمد علی مرادی و داکتر عزیزعالمی برگزار گردید. در این میز مدور سعی شد تا در مورد زیر بحث و گفتگو شود:

- چگونگی توانمندسازی زنان افغانستانی از طریق تحصیل و آموزش
- راهکارهای تعامل بهتر با خانواده های محصلین
- مشکلات حقوقی سیستم تعلیم و تربیه افغانستان
- مکتب تکمیلی چگونه میتواند در راه مبارزه با بیسوادی موفق باشد

در میز مدور همچنین به این نکته مهم اشاره گردید که در افغانستان توجه بسیار اندکی به آموزش و پرورش مقدماتی بشمول کودکان می شود. اما اینکه کودکان افغانستان یک پدیده نو در افغانستان میباشد. همچنین توجه بسیار کم به معلمین که نقش بسیار مهم و اساسی در تربیت تمامی اقشار جامعه دارند میشود. مثلاً معلمین درآمد بسیار پایین دارند و همچنین سیستم و نظارت درست برای استخدام اساتید و معلمین مجرب وجود ندارد.

همچنین بر استفاده از امکانات امروزی در جهت آگاه سازی مردم و الگو برداری از سیستم های موفق در جهت درست کردن ساختار و نظامی که بتواند در جهت توانمندسازی زنان موثرتر باشد تاکید گردید. در این میان همچنین مطرح گردید که الگو برداری از سیستم های موفق ملزوم در نظر گرفتن شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ی مقصد است .

بی انگیزگی و عدم تمایل جوانان قشر مهاجر برای استفاده از امکانات آموزشی در کشورهای اروپایی از موضوعات دیگر مطرح شده در میز مدور بود که در این زمینه بر نقش انجمن های افغانستانی در جهت دادن انگیزه و مشخص و بیان کردن انواع امکانات موجود در جامعه و تشویق افراد موفق در زمینه های مختلف تاکید ویژه گردید .

Pyrkimys ihmisarvon toteutumiseen

Yhteinen tavoitteemme on saavuttaa oikeudenmukaisuutta ja rauhaa sekä lisätä inhimillisyyttä ja ihmisarvoa. Voimmeko saavuttaa nämä tavoitteet ilman luku- ja kirjoitustaitoa ja tietoa? Onko luku- ja kirjoitustaidottoman ja tietämättömän kansan mahdollista ottaa selvää ihmisarvosta? Kuinka luku- ja kirjoitustaidottomalla kansalla valmiuksia perehtyä edellä mainittuihin asioihin?

Uskon vahvasti, että pystymme estämään historian toistumista, mikäli tahdomme niin. Täytyy avata katseemme, oikaista asenteemme ja aloittaa taistelu luku- ja kirjoitustaidottomuutta vastaan yhteisenä kansana sekä uudistaa opetustapoja.

Unelmani on kuulua historian osaan, jolloin kansan tietoisuus jyrää epäoikeudenmukaisen politiikan ja heikko luku- ja kirjoitustaidottomuuden aikakausi, kulttuuripopulismi ja sota päättyy. Toivon meidän sukupolven rakentavan lapsillemme heidän arvoisen tulevaisuuden. Rakentaa itselleen maailman, jossa on täynnä rakkautta kotimaata kohtaan ja nauttia mielenrauhasta

Uskon, että jonain päivänä lapsemme muistelevat meitä hyvällä mielellä. Meitä tullaan pitämään muutoksen sukupolvena. Sukupolvi, joka pelastaa tietämättömän kansan kunnes päästävät irti synkästä sisäkuorestaan ja näkevät kirkkaan tulevaisuuden.

Minulla on toivo, että taistelusta luku- ja kirjoitustaidottomuutta vastaan tulisi kampanja, joka johtaisi sivistykseen. Kampanja, joka lisää humanisuutta ja rakentaa maailman mahdollistaen inhimillisen elinympäristö. On todellista, että ilman luku- ja kirjoitustaitoa ja tietoisuutta, oikeudenmukaisuus ja tasa-arvo ovat mahdottomia.

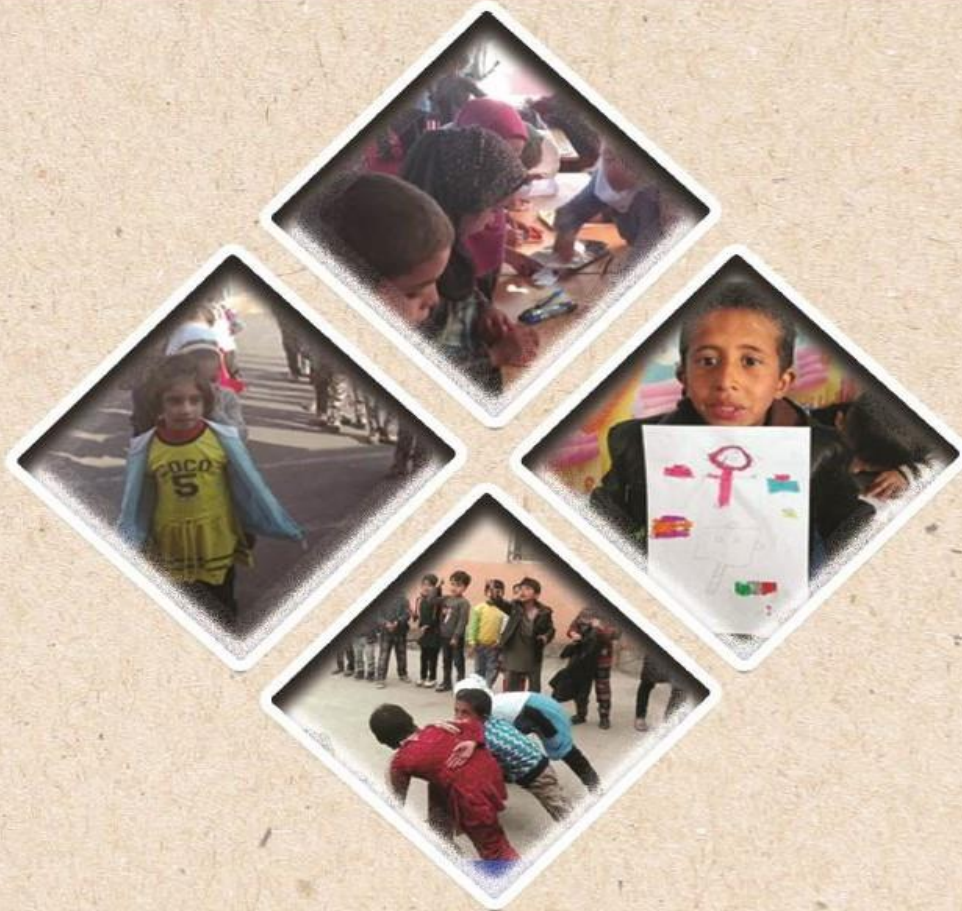
Tahdon taistella ryhmässä, joka taistelee ihmisarvon puolesta. Taistelu luku- ja kirjoitustaidottomuutta vastaan on taistelua vapauden ja ihmisarvoa vastaan. Kaikki olemme jonkun ajan elossa maan päällä. Olisi parempi kuolla näiden tavoitteiden puolesta kuin sieluni ei lepäisi rauhassa jättäen tämänlaisen maailman perintönä lapsilleni.

Dr. Samad Ali Moradi,
puheenjohtaja järjestössä Innovation in
education for Afghanistan
Helsingissä 2018



درباره موسسه:

موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان با هدف مبارزه با بی سوادى و نوآوری در سیستم آموزشی افغانستان و تحت پوشش قرار دادن اطفال مستحق و مستضعف باز مانده از تحصیل در اول جدی سال ۱۳۹۶ در فصل زمستان فعالیت خود را در منطقه چهار قلعه، چهاردهی شهر کابل شروع نمود و توانست که در مرحله اول ۴۰ طفل مستضعف را تحت پوشش برنامه های خود قرار دهد. مکاتب تاسیس شده توسط این نهاد با استفاده از تجارب استادان مسلکی و کارشناسان آموزش و پرورش با معیارهای آموزشی مدرن و بهره گیری از نوآوری آموزشی اداره میشوند.



موسسه نوآوری در آموزش برای افغانستان

Innovation in Education for Afghanistan

www.ieaf.fi